



خداوند

پرسش : چه آیاتی از قرآن برای اثبات وجود خداوند و یگانگی او آمده است؟

نمایه: **خدا، وجود خدا، اثبات خدا، اثبات یگانگی**

پاسخ : پاسخ سوال در دو قسمت داده می شود.

الف: ادله قرآنی بر اثبات وجود خدا؛ ب: ادله قرآنی بر یگانگی خداوند و نفی شرک.

فهرست مندرجات

- ۱ - ادله اثبات وجود خدا
 - ۱.۱ - برهان نظم
 - ۱.۲ - برهان حرکت
 - ۱.۳ - برهان وجوب و امکان (فقر و غنی)
 - ۱.۴ - برهان علت و معلول
 - ۱.۵ - برهان صدیقین
 - ۱.۶ - برهان فطرت
- ۲ - ادله قرآنی بر اثبات توحید و بطلان شرک
 - ۲.۱ - گواهی فطرت
 - ۲.۲ - هماهنگی جهان هستی
 - ۲.۳ - برهان صرفالوجود
 - ۲.۴ - دلیل فیض و هدایت
 - ۲.۵ - معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر
- ۳ - پانویس
- ۴ - منبع

ادله اثبات وجود خدا

← برهان نظم

گسترده‌ترین برهان قرآن بر اثبات وجود خدا که آیات فراوانی بر آن دلالت دارند، **برهان نظم** است. این برهان از دو مقدمه تشکیل شده است.

مقدمه اول: **جهان** هستی دارای نظم، هدف‌مندی و **انسجام** است.

مقدمه دوم: **نظم** دقیق به ناظم **عالم** و **قادر** احتیاج دارد.

نتیجه: پس این جهان را ناظم **عالم** و **قادر** ایجاد کرده است. [۱]

بعضی از آیاتی که برای مطلب دلالت دارند ذیلاً ذکر می شوند: سوره‌های: روم، آیات ۲۰ تا ۲۵، بقره ۱۶۴، رعد ۳، یونس ۳۱، انفال ۶۲ و ۶۳، مؤمنون ۱۲ تا ۱۴،

انعام ۹۵، بقره ۲۸۱، شمس ۷ و ۸، طه ۵۰، نحل ۷۹، جاثیه ۲ و ۳، حجرات ۱۲ و... به‌عنوان نمونه یک آیه را با ترجمه ذکر می‌کنیم:

«إِن فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْبَا بِهِنَّ الْأَرْضَ بِعَدَمِ مَوْثِقِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» [۲] در **آفرینش** آسمان‌ها و زمین و اختلاف شب و روز و حرکت کشتی‌ها در دریا به‌سود مردم و بارانی که از آسمان‌ها نازل می‌شود آن‌گاه زمین‌های مرده را احیا می‌کند و انواع جنیندگان که در روی زمین پراکنده‌اند و چرخش بادها و ابرهایی که در میان آسمان‌ها و زمین به‌کار گرفته شده‌اند نشانه‌هایی است برای قوم خردمند.

← برهان حرکت

تغییر و حرکت موجودات، گواه روشنی بر **حدوث** آنها؛ است و حدوث آنها یعنی پیدایش از عدم، دلیل بر وجود خالق است که آنها را ایجاد کرده است.

به عنوان نمونه: **سوره انعام**، آیات ۷۵ تا ۷۹ ذکر می شود.

«وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلِكًا مِّنَ الْمُرْسَلِينَ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَيْسَ لَهُ بَهْدِي نَبِيٌّ لَّا كُوتِبَ مِن الْقَوْمِ الضَّالِّينَ»

فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسُ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ، إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلذِّكْرِ فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ خَلْقًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» [۳] این چنین، ملکوت آسمان‌ها و زمین را به **ابراهیم** نشان دادیم تا از **اهل یقین** گردد، هنگامی که **ماه** را دید، گفت این خدای من است اما هنگامی

کرد، گفت این خدای من است اما هنگامی که **غروب** کرد، گفت: غروب‌کنندگان را دوست ندارم! و هنگامی که **ماه** را دید، گفت این خدای من است اما هنگامی

که افول کرد گفت: اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکند، مسلماً از جمعیت گمراهان خواهم بود. و هنگامی که **خورشید** را دید گفت: این خدای من است این بزرگتر

است اما هنگامی که غروب کرد، گفت: ای قوم؛ من از همتایانی که شما می‌سازید بیزارم، من روی خود را به سوی کسی کردم که **آسمان‌ها** و **زمین** را

آفریده، من در راه **ایمان** خود خالصم و از مشرکان نیستم.

← برهان وجوب و امکان (فقر و غنی)

با دقت در موجودات **جهان**، آنها را سرایا **نیاز** و **فقر** می‌بینیم که این نیاز و فقر عمومی **جهان** در هستی و بودن، دلیل بر وجود یک منبع عظیم غنا و بی‌نیازی

است و آن ذات بی‌نیاز، خدای متعال است.

برخی از آیات که به این مطلب دلالت دارند، عبارتند از: **سوره فاطر** آیه ۱۵، **سوره مجد** آیه ۲۸، **سوره الرحمن** آیه ۲۹. به‌عنوان نمونه یک آیه را با ترجمه ذکر

می‌کنیم:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» [۴] ای مردم شما نیازمندان به **خدا** هستید تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هرگونه **حمد** و

ستایش است.

← برهان علت و معلول

جهان معلول یعنی پدیدآمده است. و هر معلولی علتی دارد. پس این جهان را علتی است که هستی آن از خودش می‌جوشد و عین هستی است. از جمله به **سوره طور**، آیات ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ می‌توان اشاره کرد. «أَمْ خَلَقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَیُوقِنُونَ» [۵] آیا آنها آسمان‌ها و زمین را آفریده‌اند؟ بلکه آنها طالب **یقین** نیستند.

← برهان صدیقین

اساس این دلیل با الهام از **قرآن** و روایات بر این میناست که: به جای **مطالعه مخلوقات** از مطالعه ذات پاک **خدا**، پی به وجودش ببریم. از آیات قرآن به: فصلت ۵۲، آل عمران ۱۸، بروج ۲۰، حدید ۲، نور ۲۵. می‌توان اشاره کرد. یک آیه و ترجمه آن: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْإِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» [۶] خداوند (با ایجاد نظام واحد جهان هستی) گواهی می‌دهد که معبودی جز او نیست و **فرشتگان** و صاحبان دانش (هرکدام به گونه‌ای) گواهی می‌دهند در حالی‌که (خداوند) **قیام** به **عدالت** (در عالم هستی) دارد معبودی جز او نیست که هم توانا و هم **حکیم** است.

← برهان فطرت

اساس این برهان بر خواسته‌ها و یافته‌های غریزی و فطری است. یعنی راهی است میان‌بر و از درون **انسان**. فرد به‌جای «دانستن» «می‌یابد» و به‌جای «**فکر کردن**» «می‌بیند» و به‌جای پرداختن به «مقدمات» به «**ذی‌المقدمه**» می‌رسد. از آیات قرآن: روم ۳۰، عنکبوت ۶۱ و ۶۵، **یونس** ۲۲ و ۲۳ و ۳۱، زخرف ۹ و ۸۷، **مؤمنون** ۸۴ و ۸۹، اعراف ۱۷۲ را می‌توان نام برد. به یک آیه همراه ترجمه شماره ۱ می‌شود: «وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَتَى الْيَقُونَ» [۷] هرگاه از آنها بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده و **خورشید** و **ماه** را مسخر کرده است؟ می‌گویند «**الله**». پس با این حال چگونه (از **عبادت** او) منحرف می‌شوید؟

ادله قرآنی بر اثبات توحید و بطلان شرک

← گواهی فطرت

فطرت علاوه بر **اثبات خدا** بر یگانگی او نیز رهنمون است در شرایطی که تمام درهای **عالم** اسباب به روی ما بسته است آهنگ توحید را در ژرفای **وجود** خود می‌شنویم که ما را به سوی مبدأ یگانه‌ای می‌خواند. از جمله آیات **قرآن** می‌توان به: عنکبوت ۶۵، روم ۳۲، **انعام** ۴۰، ۴۱، ۶۲ و ۶۳، نحل ۵۳ و ۵۴ اشاره کرد. «فَإِذَا رَكبُوا فِي الْفَلَكِ لَعَنُوا اللَّهَ مَخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ» [۸] هنگامی که سوار بر کشتی می‌شوند **خدا** را با **اخلاص** می‌خوانند (و غیر او را فراموش می‌کنند. اما هنگامی که خدا آنها را به خشکی رسانید و نجات داد باز مشرک می‌شوند.

← هماهنگی جهان هستی

از **مطالعه جهان** هستی در می‌یابیم که جهان مجموعه‌ای است هماهنگ و واحدی به هم‌پیوسته است. این وحدت و هماهنگی از **وحدت** و **یگانگی خالق** خبر می‌دهد. از آیات قرآن: ملک ۲ و ۴، **انبیاء** ۲۱ و ۲۲، **مؤمنون** ۹۱ را می‌توان نام برد. به‌عنوان نمونه آیه‌ای با ترجمه ذکر می‌کنیم: «مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَ مَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَ لَعَلَّا تَعْضِمُهُمْ عَلَىٰ بَعْضِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ» [۹] **خدا** هرگز فرزندی برای خود انتخاب نکرده، و **معبود** دیگری با او نیست که اگر چنین می‌شد هر یک از خدایان مخلوقات خود را تدبیر و اراده می‌کردند و بعضی بر بعضی دیگر توفیق می‌جستند (و جهان هستی به تاهی کشیده می‌شد) منزله است خدا از توصیفی که آنها می‌کنند.

← برهان صرف‌الوجود

منظور از برهان **صرف‌الوجود** این است که خداوند هستی مطلق است و دوگانگی در آن راه ندارد. زیرا تعدد با محدودیت مساوی است. لذا خداوند از هر نظر بی‌فید و شرط و نامحدود است و مسلماً دومی برای او فرض نمی‌شود مثال: اگر دو نفر هرکدام دارای باغی باشند یقیناً هر یک از این دو باغ محدود است. حال اگر فرض کنیم باغ نفر اول آن قدر گسترش یابد که تمامی روی زمین را بگیرد جایی برای باغ دوم نمی‌ماند و تنها یک باغ در کره زمین خواهیم داشت. پس هر جا سخن از نامحدود است، سخن از **وحدت** و **یگانگی** خواهد بود.

آیات قرآن به: آل عمران ۸۱، حدید ۲ و ۳، **یوسف** ۳۹ می‌توان اشاره کرد. به آیه‌ای و ترجمه‌اش بسنده می‌کنیم: «لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِحَيْثُ وَ يَمِيتُ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» [۱۰] مالکیت (و حاکمیت) آسمان‌ها و زمین از آن او است، زنده می‌کند، و می‌میراند، و او بر هر چیز **قادر** است. اول و آخر و ظاهر و باطن او است و از هر چیزی آگاه است.

← دلیل فیض و هدایت

خداوند موجودی کامل و منبع فیض و **کمال** است. آیا ممکن است چنین منبع کمالی خود را به موجودات دیگر معرفی نکند و آنها را محروم گذارد؛ در حالی‌که این شناخت سبب **ترقی** و **کمال** آنها می‌شود. و آنها را به سوی وجود کامل و پرفیض می‌کشاند. با توجه به‌این بیان روشن می‌شود اگر خدایان متعددی وجود داشت باید هرکدام رسولانی داشته باشند و خود را به مخلوقات معرفی کنند و آنان را مشمول **فیض تکوینی** و تشریحی خود کنند. در نتیجه اگر می‌بینیم همه رسولان الهی از خدای یگانه خبر می‌دهند، روشن می‌شود که غیر از خدای واحد معبودی **وجود** ندارد. آیات قرآن: **انبیاء** ۲۵، زخرف ۴۵، احقاف ۴. یک آیه و ترجمه آن به‌عنوان نمونه ذکر می‌شود: «وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ» [۱۱] ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر این‌که به او **وحی** کردیم که معبودی جز من نیست بنابراین تنها مرا پرستش کنید.

← معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر

۱. **پیام قرآن**، جلد ۲ و ۳، آیت‌الله **مکارم شیرازی**، ناصر.
۲. **خدا در قرآن**، **شهید بهشتی**.
۳. **قلمرو دین**، **عبدالحسین خسروپناه**.
۴. الهیات و معارف اسلامی، آیت‌الله **سبحانی**، جعفر.

پانویس

۱. ر.ک به: خسروپناه، عبدالحسین، قلمرو دین، ناشر، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۱؛ و مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، پیام قرآن، جلد ۲، ص ۵۲ تا آخر این کتاب مصادیق مختلف نظم و هماهنگی در جهان هستی از دیدگاه قرآن بحث شده است.
۲. ↑ بقره(۲) آیه ۱۶۴.
۳. ↑ انعام(۶) آیه ۷۵ تا ۷۹.
۴. ↑ فاطر(۳۵) آیه ۱۵.
۵. ↑ طور(۵۲) آیه ۲۶.
۶. ↑ آل عمران(۳) آیه ۱۸.
۷. ↑ عنکبوت(۲۹) آیه ۶۱.
۸. ↑ عنکبوت(۲۹) آیه ۶۵.
۹. ↑ مؤمنون(۲۳) آیه ۹۱.
۱۰. ↑ حدید(۵۷) آیه ۲ و ۳.
۱۱. ↑ انبیاء(۲۱) آیه ۲۵.

